

مهدویت و موعودگرایی

جلسه پنجم

موضوع: شاخص‌ها و اولویت‌ها در حکومت مهدوی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

آن چه مسلم است تشکیل حکومت جهانی به عنوان یک برآیند و نتیجه شکی نیست که نیاز به یک فرایندی دارد.

ممکن است ظهور حضرت ناگهانی باشد اما بدون شک زمینه‌ها و نشانه‌های ظهور از قبل محقق شده است.

اشاره کردیم که بشریت به جایی می‌رسد که همه راه‌ها را می‌رود و باز هم سر او اصطلاحاً به سنگ می‌خورد و مطلوب خودش را پیدا نمی‌کند.

لذا هم از روایات اسلامی و هم از متون مقدس مسیحیان و یهودیان و دین‌واره‌ها برمی‌آید که یک اشتیاق پیدا می‌شود و این را از تراش می‌توان استنباط کرد که دنبال یک مصلح باشند.

فضای خوبی نیست و انسان‌های متدین در تنگنا قرار می‌گیرند و باید امتحان شوند.

جابر بن یزید جعفی می‌آید محضر امام باقر علیه السلام و معلوم نیست به چه مناسبت اما در آن زمان مطرح شده بود که ظهور مهدی نزدیک است. او از امام سوال می‌کند: متی یکون فرجکم؟ اول امام می‌فرمایند: هیهات؛ هیهات؛ به این معنا که الان نیست... و این سر و صداهایی که بیرون است قلابی است.

و رُوِيَ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُعْرَبَلُوا ثُمَّ تُعْرَبَلُوا ثُمَّ تَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ [اللَّهُ تَعَالَى] الْكِدْرَ وَ يَبْقَى الصَّفْوَ

-جابر جعفی گفته است: به محضر مبارك امام باقر علیه السلام عرض کردم: فرج شما اهل بیت علیهم السلام چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمودند: هیهات، هیهات! فرج واقع نخواهد شد؛ مگر بعد از آن که شما غربال شوید، بعد [دوباره] غربال شوید، بعد [بار سوم] غربال شوید- این جمله را سه مرتبه تکرار کردند- تا این که خداوند آلودگی‌ها را از بین برده، صفاء، پاکی و برگزیده را باقی بگذارد.

البته بیان این حدیث به این معنا نیست که باید صحنه را خالی کرد؛ در واقع انسان باید همیشه آماده باشد و صحنه را خالی نکند در عین حال خطرات را بشناسد.

انسان وقتی یک مسافرتی می خواهد برود که هم خطر دارد هم سرما دارد باید آماده باشد؛ به هر حال دورانی است که دسترسی به امواج ضلال آسان است ...

عقل انسان ها هم البته در این دوران به رغم این گونه شرایط رشد بهتری دارد گرچه رشد حقیقی عقول در دوران ظهور است.

از این جهت این را خواستم عرض کنم که ناامید نباشیم و نترسیم ... مهم این است که ما این شرایط را بشناسیم.

ظهور حضرت از مکه خواهد بود. و این محل اتفاق است و این که از مکه و کنار کعبه است مسیرش مدینه و بعد عراق و بعد به شام و از شام به قدس است ؛ مسیری که در روایات ما بیان شده است این است.

جناب نوح علیه السلام اولین کسی است که اقتدا می کند .

من در یکی از برنامه ها اشاره داشتم که چرا نوح ؟ چرا ایشان اولین کسی است که بیعت می کند . من فکر میکنم به این دلیل است که حکومت حضرت شریعت محور است. و براساس احکام الهی می چرخد و کسی که اولین بار صاحب شریعت شده است، جناب نوح علیه السلام است .

لذا اگر به جناب نوح بگوییم شیخ الشریعه ، درست است . عیسی مسیح علیه السلام بیعت می کند و حتی در روایت هست که حضرت تعارف می کند . به هر حال حاکم مهدی است.

اما در عین حال به جناب عیسی مسیح تعارف می کند برای نماز و ایشان (حضرت عیسی علیه السلام) بیان می کنند که مردم به خاطر شما جمع شده اند.

و شما باید امام باشید و این ها همه فرایند حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام است.

حضرت وارد عراق می شوند و عده ای زیادی از ایران به امام می پیوندند و آن سید خراسانی پرچم ایران را به امام میدهد.

و لذا در عراق اکثر سربازان حضرت ایرانی هستند (این را من باید در یک برنامه جداگانه بیان کنم) به هر حال این مطلب در تراث اسلامی آمده است.

گاهی دشمنان و گاهی دوستان نادان بر قدرت شمشیر حضرت و کشت و کشتار ها تاکید می کنند در حالی که این گونه نیست اما آن چه مسلم است این که حضرت به رشد عقول و افکار و دانش کمک می کنند .

حضرت مظهر رحمت الهی است

مظهر حکمت الهی است

حکمت و رحمت ، تشر و برخوردها را می طلبد و اصلاح را هم می طلبد ؛ اما اصل بر بالا بردن رشد فکری انسان ها است ؛ حضرت شرایط را به جایی می رساند که حتی حیوانات هم از او مطیع می شوند.

چرا ما به گونه ای هستیم که اگر چیزی غریب به ذهن بود ، آن را انکار می کنیم؟

چرا ما برای غیر انسان ها بهره ای از عقل قائل نباشیم؟ یا بهره ای از شعور؟

هستی به گونه ای است که مطیع حضرت است.

این فرایند طی می شود و حکومت جهانی شکل می گیرد

البته اگر انسان های لجوج در برابر قرار گیرند ، با آن ها باید مقابله شود.

حضرت وقتی آمدند برنامه دارند . و بهترین برنامه را حضرت خواهند داشت در روایات ما آمده که حضرت به سیره حضرت رسول و امیرالمومنین عمل و سیر می کند .

حضرت وقتی می آید و در مدینه و یا در مکه به نوعی زمینه را فراهم می کند حضرت ارزش ها را به جای خود برمیگرداند؛ ارزشهایی همچون : ان اکرمکم عندا لله اتقاکم و یا اهل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون... لذا حضرت ارزشهای کاذب مثل حسب و نسب را ملغی اعلام می کند.

این که من از چه طایفه هستم یا اموالم چقدر است ... این ها مواردی است که حضرت بی اعتبار اعلام می کنند.

بر این اساس امام باقر علیه السلام می فرمایند: حضرت بر اساس سیره رسول خدا سیر می کنند، می توان برداشت کرد که حرکت در مسیر برگرداندن ارزشها به جای خود و لغو غیرارزشها ، همه از جمله مواردی است که حضرت نسبت به تحقق آن برنامه دارند.

چون هر چه ارزشها سر جای خود قرار نگیرد اجتماع نظم و نسق خود را نمی یابد. افراد جای خود قرار نمی گیرند.

از آن طرف هم داریم که وقتی حضرت می آیند زمین را پر از عدل و قسط می کند بعد از آنی که پر از ظلم و جور شده باشد.

یکی از شاخص های حکومت های عادل این است که ارزشها سر جای خود باشد.

در یک مبارزه سلبی، نارزش ها و ارزش پنداشته شده کنار نهاده شود.

یاد دادن قرآن و فراگیر شدن آن، و ارزشها و معارف قرآنی از جمله مواردی است که حضرت نسبت به تحقق آن اقدام می کنند و برنامه دارند.

در روایت آمده است که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: (گویا می بینیم که شیعیان علی (علیه السلام) قرآن ها را در دست دارند و مردم را آموزش می دهند یا اینکه اصبع بن نباته می گوید: از علی (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «گویا عجم (نژاد غیر عرب) را می بینم که چادرهایشان در مسجد کوفه برافراشته شده است و به مردم قرآن می آموزند؛ به همان گونه که فرود آمده است صرف یاد دادن قرآن نیست، معارف قرآن هم یاد داده می شود.

دقیقا هم معلوم است که دلیل این کار چیست.....انسانها اگر قرآن را یاد بگیرند و با معارف قرآن آشنا باشند زمینه تشکیل حکومت امام مهدی علیه السلام آماده می شود.

ویکی دیگر از برنامه های حضرت این است که امنیت را برقرار می کنند.

در یکی از قسمت های تورات به این زمان و امنیت آن اشاره شده که به گونه ای است که گرگ کنار گوسفند و گوسفند کنار گرگ است. بدون این که گوسفند از گرگ بترسد. و یا گرگ بخواهد به گوسفند حمله کند.

احساس عدالت و عدالت باید تواما با هم باشد.